

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۱ دسمبر ۲۰۱۶

ترمپ و افغانستان

۳

به تعقیب صحبت تلفونی نواز شریف با دونالد ترمپ رئیس جمهور منتخب امریکا و ستایش ترمپ از شریف و مردم پاکستان، اشرف غنی رئیس جمهور دولت مستعمراتی کابل هم به تاریخ ۴ دسمبر با ترمپ داخل تماس شد و کلماتی با هم رد و بدل کردند. آن صمیمیتی که ترمپ از خود در مقابل نواز شریف و پاکستان نشان داد، در صحبتش با غنی وجود نداشت. رویهمرفته، کلمات رسمی و متعارفی بین این دو مبادله گردید که در نهایت علاقه مندی ترمپ را کم و بیش نسبت به افغانستان نشان داد. غنی خوشحال بود که ترمپ با وی حرف زد و طوری این صحبت را تجسم داد که تعهدات امریکا نسبت به افغانستان پایدار باقی خواهد ماند و حتا اداره ترمپ توجه بیشتر به افغانستان مبذول خواهد داشت. از طرز صحبت تلفونی ترمپ و غنی معلوم می شود که سیاست خارجی اداره ترمپ نسبت به افغانستان در حال شکل گیری است.

در سیاست خارجی قدرت های بزرگ تغییر بارزی با به سر قدرت رسیدن یک حزب مخالف خلق نمی شود. حفظ منافع جهانی کشور های مقتدر همیشه هدف ستراتیژیک آن هاست. البته ذوق و سلیقه زعمای دولت و یا رؤسای جمهور از هم متفاوت است، اما خط مشی عمده و اساسی توسط کسانی طرح ریزی می شود که در عقب نمایشات ظاهری موضع گرفته اند و دستور می دهند. شعار های انتخاباتی از صحنه عمل متفاوت است. همین حالا ترمپ هر روز با مسایلی مواجه می شود که در تخیلش هم نمی گنجد. دنیای تجارت و قمار از صحنه سیاست جهانی و طرح سیاست خارجی زمین و آسمان فرق دارد. به قول راجر مور فلم ساز معروف امریکا که قبلاً موفقیت ترمپ را پیش بینی کرده بود "ترمپ توان ریاست جمهوری را ندارد و خودش از صحنه کنار خواهد رفت". از آغاز بُرد انتخابات تا اکنون، ترمپ بار ها در مورد نظرات دوره انتخاباتی اش تجدید نظر کرده است، زیرا با واقعیت های روبه رو شده است که خوابش را هم نمی دید. یک فردی که یک روز هم تجربه سیاسی و حکومتداری را نداشته است، لاکن خود را آنآ در محراق سیاست جهان و قدرت سیاسی در امریکا می بیند، خواهی نخواهی نمی تواند آن شخص گذشته باشد و به تعهدات دوره انتخاباتی خود عمل نماید. بعید نمی بینم که اداره ترمپ همان روش بوش و اوباما را در تداوم اشغال افغانستان تعقیب کند و تابع هدایات نظامیان و صاحبان سرمایه در عقب پرده شود.

ترمپ و غنی پیرامون بعضی موضوعات با هم صحبت نموده و "در مورد تهدیدات و خطر تروریسم و دهشت افگنی که هر دو کشور با آن مواجه است بحث کرده و تعهد کردند که با همدیگر در مبارزه با این تهدیدات در حال رشد، بیشتر

همکاری نمایند. غنی عاجزانه گفت: "رابطه بین افغانستان و ایالات متحده آمریکا بر مبنای منافع مشترک ستراتیژیک (۴) دو ملت استوار است... امید که روابط دو کشور در دوران آقای ترمپ بیشتر از پیش تقویت و توسعه یابد." در جریان صحبت، ترمپ تأکید کرد که "ایالات متحده آمریکا همچنان در دوره ریاست جمهوری وی در کنار دولت و مردم افغانستان خواهد بود... در صورتی که افغانستان نیاز به همکاری بیشتر امنیتی داشته باشد، اداره وی بعد از ارزیابی ضرورت ها، به تأمین حمایت بیشتر امنیتی افغانستان توجه خواهد کرد." در صحبت ایندو "مشارکت و همکاری منطقه‌ئی بیشتر در بخش مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی تأکید صورت گرفت". ترمپ متذکر شد که "منابع طبیعی افغانستان قابل ملاحظه است و دولت او آماده است که به مردم و دولت افغانستان برای استفاده مؤثر در این عرصه کمک کند. افغانستان پتانسیل مناسبی برای توسعه اقتصادی داشته و منابع طبیعی این کشور می‌تواند از عناصر کلیدی این امر محسوب شود".

از صحبت تیلفونی ترمپ و غنی بر می آید که ترمپ نسبت به مسایل افغانستان آنقدر بی علاقه نیست که تصور می شد. مشوره‌های مشاوران سیاسی و نظامی و گوش کش کردن‌ها توسط دستگاه‌های استخباراتی آمریکا، ترمپ را از خیز و جست گذشته انداخته و واقعیت جهانی را در مقابل وی قرار داده است. برای تأیید ادعای خود، یاد آور می شوم که اشتون کارتر وزیر دفاع اداره اوباما به روز هشت دسمبر سفری به افغانستان داشت که غیر منتظره بود. معمولاً وزرای دفاع و خارجه آمریکا در دوره انتقالی از یک اداره به اداره دیگر، زیاد به خارج سفر نمی کنند، مگر این که کدام طبقه خطیری به آنها تفویض گردد. تصور می شود که اشتون کارتر با اشاره ترمپ غرض اطمینان دادن به غنی به افغانستان سفر کرده تا زعامت کابل را از تداوم اشغال افغانستان اطمینان دهد و آنها را از هراس و واهمه دور نگهدارد. وزیر دفاع آمریکا در صحبت خود با اشرف غنی گفت که "افغانستان یکی از شرکای مهم و ستراتیژیک آمریکا است". کارتر از قربانی‌های نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان قدرانی کرده گفت "این نیروها ثابت ساختند که توانائی و ظرفیت شان در زمینه مبارزه با تروریسم افزایش یافته و آمریکا برای تجهیز و تمویل بیشتر این نیروها متعهد می‌باشد". اگر به اشتون کارتر هدایت داده نمی شد، هرگز درین لحظات دوره انتقالی چنین اطمینانی را به یک دولت منززل نمی داد. هم زمان با سفر اشتون کارتر، خبرگزاری اسپوتنیک روسیه گزارش داد که "اردوی آمریکا در بیانیه مطبوعاتی اعلام کرد این کشور قصد دارد ۱۵۰۰ عسکر دیگر به افغانستان اعزام کند و ۸۰۰ عسکر امریکائی نیز به منظور گردش متناوب نیروهای این کشور در کابل، به افغانستان اعزام می‌شوند". اگر این گزارش درست باشد، روش ترمپ نسبت به افغانستان از همین حالا قابل فهم است.

از گفتار اشتون کارتر معلوم می شود که ترمپ مانند بوش و اوباما به اشغال افغانستان ادامه خواهد داد. جالب این که عده ای از سناتوران امریکائی که بیشتر شان جمهوریخواه اند، از دونالد ترمپ تقاضا کرده اند که "تعداد و صلاحیت های نیروهای آمریکا را در افغانستان افزایش داده و آن را در تقدم کار خود قرار دهد". از زمره جان مک کین رئیس کمیسیون دفاعی سنای آمریکا اظهار داشت: "ما نیاز داریم که برای پیروزی نیروهای ما در افغانستان صلاحیت های انعطاف پذیر و ضروری را به آنها بدهیم تا این نیروها بتوانند با دشمنان ما وارد میدان کارزار شوند". به یقین که ترمپ به این نظرات و تقاضای های سناتوران آمریکا بی تفاوت نمانده و سر تمکین فرو خواهد آورد. قصه مختصر! با در نظر داشت حالات کنونی، امیدی به بیرون کشیدن اختیاری نیروهای متجاوز آمریکا در دوره ریاست جمهوری دونالد ترمپ در افق مشاهده نمی شود.